۱۳

کتاب شیعه

ویژه‌نامه تراجم | کتاب‌شناسی، نسخه‌پژوهی، نقد کتاب

۱۴

منتشر شد

فروش

قم، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه

خیابان توحید، توحید ۷، شمارهٔ ۲۲ | انتشارات کتاب‌شناسی شیعه

تلفن: ۰۲۵۳۸۸۰۲۲۱۲ ۰۲۵۳۸۸۰۲۲۳۲

سروده‌ای در رثای آیة الله مرحوم سید محمود شاهرودی (م ۱۳۹۴ ق)

حسینی رامیانی

سال هفتم شماره اول و دوم بهار تا زمستان ۱۳۹۵

۱۳ و ۱۴ کتاب شیعه

اسناد، مکتوبات، وصایا

درجوار مرقد پاکیزه شاه خراسان
صبح جمعه ناگهان بر گوشم آمد صوت قرآن

با شعار آیت عظمای ما از دست رفته
دسته‌ای دست الم بر سر زنان واشک ریزان

بالاخص طلاب دینی را بدیدم غرق ماتم
تسلیت گویند هم با یکدگر حال پریشان

صحن گوهرشاد غوغائی بپا گردیده دیدم
ایستاده از پی تعظیم دین جمع بزرگان

تا شدم واقف بگفتم وامصیبت این چه غم بود
گشت وارد بر تمام مسلمین و اهل ایمان

آیة الله عزیز شاهرودی از جهان رفت
دوستانش اشک می بارند بین با قلب سوزان

گوهری سنگین بها از کان علم ودانش افسوس
رفت کی آید به دست آیا بمثل او بدوران

در حصار دین اسلام آمد از فقدش شکستی
نیست ممکن تا شود اندر جهان آن نقص جبران

عالمی پرهیزکار و صالحی از صالحین رفت
یادگار جسم و روح پاک از ختم رسولان

صدق در گفتار و کردارش هویدا بود دائم
این مسلم بود از حالش به نزد نکته بینان

کی توان گفتن که یک مردی برفت از دار دنیا
در غم مردی که احسان کرد با خلقی فراوان

محضرش از بهر طلاب علوم و اهل دانش
بود هر شام و سحر اندر نجف همچون گلستان

در جبینش بود آثار حقیقت آشکارا
زهد او معروف بودی در جهان مانند سلمان

غرق ماتم کرد آیات عظام و اهل بیتش
بود او چون گوهر رخشان بر گوهر شناسان

گرچه بودی جان اهل شاهرود و شاهرودی
در جهان بود افتخار شیعیان از انس و هم جان

«ارجعی» آمد خطاب از حق به نفس مطمئنّه
کرد پرواز و لقای کردگارش گشت خواهان

خواستار قرب حق بود آن فقیه با فضیلت
پس ندای «فادخلوها آمنین» دادندش از آن

تشنه لطف الهی بود آن فرزند زهرا علیها السلام
رفت تا نوشد ز کوثر آرمد در روح و ریحان

دید طوفانها و همچون نوح و آدم علیهما السلام در نجف ماند
آرمید او عاقبت اندر جوار شاه مردان

گر چه خود سوی بقا و رحمت پروردگارش
رفت اما بیت او باشد ز آثارش فروزان

نور چشمانش که هستند اهل علم و فضل و دانش
حامیان دین و قرآنند خوش از لطف یزدان

چون فقیهان درد دین دارند اندر زندگانی
اشک می بارد «حسینی» هم ز فقدان فقیهان

جواب یک مسأله فقهی از شهید مدرس(م۱۳۵۶ق)[1]

به کوشش: شیخ ولی الله قربانی

مسألة تمرينيّة فقهيّة

سألني: بعضُ السادة من أصدقائي في الليلة الثانية والعشرين من شهر رمضان ۱۳۱۱ في مسجد الكوفة: أيّة كلمة وجبت على الزوجين التكلّم بها، وإذا تكلّم بها أحدهما حرم الآخر عليه؟

قلت في الجواب: إذا تكلّم أحدهما بكلمة التوحيد الواجبة عليه لأن يصير مسلماً وكان الآخر باقياً على كفره صار الآخر حراماً عليه، فصدّقني.

ثمّ قلت: يمكن فرعٌ آخر مثل ذلك، لكن في أحدهما فقط، وهو أنّا نفرض وجوب العتق على الزوج لأحد موجباته فإنشاؤه يكون واجباً عليه، وقبل الإنشاء كانت أمَته محلّلة وبعد إنشائه صارت محرّمةً يحتاج إلى سببٍ آخر.

أقول: ويمكن أن ينقلب السؤال ويقال: أيّة كلمةٍ تكون تكلّم أحدهما بها حراماً، وإذا تكلّم أحدهما بها صار محرّماً على الآخر؟

والجواب أنّ هذه هي الكلمة الموجبة لارتداد من تكلّم بها، فكلّ من تكلّم بها صار حراماً على الآخر، سواء كان المتكلّم زوجاً أم زوجة.

ويمكن تفريعٌ آخر من جانب الزوج، لكن كانت بحيث إذا تكلّم بها في حرمتها صارت الزوجة محرّمة عليه.

وجواب[ـه]: إنّ الظهار حرامٌ، وبعد إنشائه صارت الزوجة محرّمةً عليه. انتهت المسألة.

۱. این یادداشت در آخر حاشیه رسائل آیة الله شهید مدرّس به خط وی دیده می شود.

کتاب شیعه ۱۳ و ۱۴
سال نهم شماره اول و دوم بهار تابستان ۱۳۹۵
اسناد، مکتوبات، وصایا